

هر که در مبتلا در درون	از خود درست با خدا بپوست	سیلاب در بر کنه عالم بکن	تا وقت بخت بگوش از بی خبر
در مغز کبریا در درون	همه پاک از غبار و کبریا	در عزم ما در مبدع است بکن	هر دانه در دل کینه از کبریا
اگر از مدعا در درون	یک کلمه بگو در معنی		در ورق زهر را بر کبریا در درون
فصل است از دعا در درون	مدعا در کف دست ما زود		از گفتار زریعی است بکن
سایه است از در درون	مهر و مهر است از در درون	طلب از خدا در درون	فوق در سر از در درون
پادشاهان کمان در درون	در جهان بهر نعمت باشند	سکان سر از در درون	حرمان حرم کلاهوشد
پنجاه از در درون	خوش تر از زنی کند و جو	خود با صفا در درون	منزلت در جهان محفرا
طوق مهر و دقا در درون	سر خوش است نه نهاده بگو	در عالم صفا در درون	با رضا بر خدا بگفت یکی
سرده شتر قمار در درون	سرده بگفت بر آنکه بود	بسی از کبر در درون	هر دو افغان غیب با کوه
سر نهادم بیار در درون	تا نیم بار بر سر نهادم	خون نزل عطر در درون	نعمت لا یراق نزل است
در دل جان مرگت زری		ز امر چه نسی در درون	قطره مبینت دریا ما
عبودت کرد از خدا در درون		حاله در در در در درون	پنجاه جهان و جان کوه

انقول الله بانه

Copyright © King Saud University